



اول می 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

آیا "پاسخ داؤد خان به بریژنف" یک "انتحار سیاسی" بود؟

در این روزها به تاسی از سالگرد دو حادثه مهم تاریخی (7 و 8 ثور) طبق معمول همه ساله مطالبی در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين به نشر میرسد که از جمله یکی هم مروری مجدد بر رویداد سفر اخیر شهید داؤدخان به مسکو (مورخ 12 اپریل 1977) و آخرین دیدار او با بریژنف است. در ارتباط با جریان مذاکرات رسمی دو زعيم قبلاً جناب عبدالجليل جمیلی سابق دیپلمات افغان و عضو آن هیئت مقاله میسوطی تحت عنوان "جریان واقعی سفر رسمی 1977 سردار محمد داؤد به مسکو و برخورد با بریژنف" نوشتند که در سال 2007 در این پورتال به نشر رسید. موضوع بحث این مقاله بیشتر مربوط به محتوای قسمتی از بیاناتی بود که بین شهید داؤد خان و بریژنف طی مجلس رسمی تبادل گردید و محترم آقای جمیلی آنرا با عبارات متفاوت با آنچه مرحوم عبدالصمد غوث (آنوقت مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه افغانستان و عضو هیئت) در کتاب "سقوط افغانستان" قبلاً نوشته بود، بیان کرده است. از آنجائیکه مقاله آقای جمیلی بار دیگر در این روزها به نشر رسیده است و دو نویسنده دیگر هر یک محترم نجیب داوری و محترم انجنیر احسان الله میار در مقالات منتشره خویش در این پورتال در زمینه تبصره نموده اند، من هم خواستم به مقصد وضاحت بیشتر موضوع مبنی بر تفاوت نظر دو عضو افغانی حاضر در مجلس عرابضی خود را که در یک مقاله منتشره این پورتال بتاريخ 22 اگست 2013 تحت عنوان "بحث بر موضوع پاسخ داؤد خان به بریژنف" نوشته بودم، با اختصار بار دیگر بحضور علاقمندان تقدیم دارم و ضمناً به این سؤال توجه را جلب کنم که آیا برخورد لفظی دو زعيم موجب شد تا شوروی تصمیم بر سرنگونی جمهوری داؤد خان بگیرد و کودتای ثور را براه اندازد و یا اینکه بین داؤد خان و مقامات شوروی سوء ظن ها و فضای بی اعتمادی بریکدیگر از قبل ایجاد شده بود که از یکطرف "دستور" و از طرف دیگر دفاع از حق یک ملت قرار داشت؟

مقایسه دو متن:

از آنجائیکه در «عبارات و الفاظ» و نیز شیوه بیان تفاوت عمده بین دو متنی که از طرف دو شخصیت افغانی حاضر در آن مجلس هم در بیانات بریژنف و هم در جوابیه مرحوم داؤد خان وجود دارد، لازم است نخست نگاهی به دو متن انداخته شود:

متن گفتار بریژنف به استناد نوشته صمد غوث: «بریژنف شکایت کرد که در افغانستان فعالیت های دوجانبه در پروژه های ملل متحد و دیگر پروژه های چند جانبه شمارمختصین کشورهای عضو ناتو بسیار زیاد شده است، درگذشته حکومت افغانستان از متخصصین کشورهای عضو ناتو حداقل در مناطق شمالی آن کشور دعوت نمیکرد، اما اکنون دیگر با آن شیوه عمل نمیشود. او گفت اتحاد شوروی به این انکشافات بانظر بد مینگرد و از حکومت افغانستان تقاضا میکند (میخواهد) [در متن انگلیسی کلمه want بکار رفته است] تا خود را از تسلط آنها رهانی بخشد. آنها چیز دیگری جز جوایس نیستند و روی مقاصد امپریالیستی کار میکنند.» (دیده شود: کتاب «سقوط افغانستان» متن انگلیسی - صفحه 179؛ متن دری - صفحه 238)

متن گفتار بریژنف به استناد نوشته جمیلی: «شما بخوبی میدانید که کشور ما همیشه نزدیکترین دوست افغانستان بوده و هروقت و مرحله دست دوستی را بطرف افغانستان پیش کرده و از هیچ نوع کمکی دریغ نکرده است. حال ما به خوشی حاضریم که برای اجرای پلان جدید اقتصادی افغانستان کمک کنیم، ولی طوریکه اطلاع دارید دشمنان ما میخواهند که در این دوستی ما رخنه و آنرا خراب سازند، بدین لحاظ عمال خود را زیر عنوان پیسکور و رضا کار و

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاروالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولۍ

غیره به افغانستان اعزام می دارند که آنها زیر عنوان کمک و همکاری، اساساً در تخریب روابط ذات البینی ما میکوشند. باید حکومت افغانستان تمام این اشخاص را از افغانستان خارج کند.» (دیده شود: سه مقاله عبدالجلیل جمیلی درباره «جریان واقعی سرفتاریخی 1977 مرحوم محمد داؤد خان به مسکو»، منتشره پورتال «افغان جرمن آنالین»، 2007)

از نظر محتوا دو نکته متفاوت در دو متن فوق از همه بیشتر جلب توجه میکند: یکی در متن صمد غوث ذکر «متخصصین کشورهای عضو ناتو» که دوبار تکرار شده و دیگر «اتحاد شوروی به این انکشافات با نظر بد مینگرد و از حکومت افغانستان تقاضا میکند تا خود را از تسلط آنها رهانی بخشد...» در حالیکه در متن جمیلی آمده است که: «دشمنان ما... عمل خود را زیر عنوان پیسکور و رضا کار و غیره به افغانستان اعزام میدارند که آنها... اساساً در تخریب روابط ذات البینی ما میکوشند. باید حکومت افغانستان تمام این اشخاص را از افغانستان خارج کند.»

در مقایسه دو متن فوق «متخصصین کشورهای ناتو» با «پیسکور» دو مطلب جداگانه را افاده میکند و نیز در متن اول ذکر کلمه «تقاضا و یا میخواید» به مفهوم «خواهش» و در جمله اخیر متن دوم کلمه «باید» حالت امر را معنی میدهد که این دو موضوع دو متن منتشره را بسیار از هم دور می برد.

به همین طور وقتی متن جوابیه شهید داؤد خان را در دو متن فوق با هم مقایسه کنیم، باز هم با تفاوتی لفظی بر میخوریم. به قول صمد غوث، داؤد خان به بریزنف گفت: «آنچه شما گفتید، افغانها آنرا توقع نداشتند و مداخله در امور افغانستان میداند، چنانکه قبلاً گفته شد، افغانستان روابط خویش را با اتحاد شوروی با ارزش میداند.» صمد غوث می نویسد: آنچه را محمد داؤد در این هنگام گفت، اکنون هم کاملاً بخاطر دارم. او گفت: «ماهیت وقت بشما اجازه نخواهیم داد که به ما حکم کنید چگونه کشور خود را اداره کنیم، چه کسی را در افغانستان استخدام کنیم، چگونه و در کجا متخصصین را توظیف نماییم. این صرف مربوط به اداره دولت افغانستان است. اگر ضرورت باشد افغانستان غریب باقی خواهد ماند، اما در فیصله های خود آزاد خواهد بود.» (دیده شود: کتاب «سقوط افغانستان»، متن انگلیسی، صفحه 179؛ متن دری صفحه 238 و 239)

در متن جمیلی جواب داؤد خان به این عبارت ذکر شده است: «ما همیشه از کمک های کشورهای دوست منجمله اتحاد شوروی صمیمانه تشکر میکنیم، بنأ همیشه خواهشمندیم تا کشورهای دوست با ما کمک های اقتصادی و با اعزام متخصصین خود به افغانستان با ما کمک کنند، ولی اگر این کمک ها و اعزام متخصصین به منزله مداخله در امور داخلی ما به حساب برود، ما از بازوی این ها گرفته و تمام شان را از افغانستان بیرون می اندازیم.» داؤد خان بعد از تکرار این جمله به سخنان خود ادامه داد و گفت: «البته افغانستان یک کشور غریب است، ولی یک کشور مستقل و آزاد است و به هیچ کشور اجازه نمیدهد که بنام کمک در امور داخلی اش مداخله کند. تعیین سرنوشت افغانستان تنها بدست ملت افغان بوده و تنها مردم افغانستان حق دارند که در آن باره تصمیم بگیرند.»

هرگاه در جوابیه داؤد خان از تفاوت «کلمات و جملات» در دو متن فوق بگذریم، محتوای جواب از نظر «روحیه» در هر دو متن با هم بسیار نزدیک و شبیه می باشد، در هر دو از کمک های کشورهای دوست ابراز امتنان شده و اما در مورد «مداخله در امور افغانستان» و اینکه «تصمیم به مردم افغانستان» مربوط است، شباهت تام وجود دارد.

کدام متن از نظر لفظی قابل اعتبار است؟

به این سؤال نمیتوان جواب دقیق ارائه کرد، زیرا هر دو متن مستند به بیک سند تحریری یا یک کلیپ صوتی و یا تصویری نیست که در آنوقت از جریان مجلس تهیه شده باشد. متأسفانه در افغانستان معمول نبود که جریان مذاکرات رسمی بطور دقیق درج یادداشت ها و یا پروتوکل شده و در آرشیف رسمی نگهداری گردد. چون مذاکرات در کرملین صورت گرفته بود، احتمال دارد طرف شوروی طبق معمول بصورت خصوصی از جریان مذاکرات اسنادی تهیه کرده و در آرشیف داشته باشند که گمان نمیرود همچو اسناد را اکنون از قید محرمیت آزاد سازند. لذا دسترسی به اسناد موثق در این موضوع مشکل و حتی ناممکن خواهد بود تا به اساس آن حقیقت معلوم گردد که کدام متن قابل اعتبار بوده میتواند.

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

آنچه صمد عوث در کتاب «سقوط افغانستان» ذکر کرده و آنچه جمیلی آنرا طی مقالات خود بیان کرده هردو بعد از گذشت سالها و به اتکای «حافظه» نوشته شده است. اتکا به حافظه برای بررسی یک مسئله مهم سیاسی توأم با مشکلاتی است که نظیر آن در همین موضوع به وضاحت مشاهده میشود و کسانی که به روی الفاظ و عبارات در چنین حالت به مباحثه می پردازند، نیز دچار سردرگمی ها میشوند.

متن انگلیسی کتاب «سقوط افغانستان» به تشویق و زمینه سازی «تیودور ایلیت» سفیر سابق ایالات متحده امریکا در افغانستان وقتی تهیه گردید که صمد عوث در شروع دهه هشتاد به امریکا مهاجر شد و به گفته ایلیت نوشتن همچو کتاب برای مؤلف «کار آسانی نیست، زیرا او از افغانستان یک دوسیه هم با خود نیاورده است. او از خاطرات خویش استفاده کرده و هر جا سندی یافته، آنرا انطباق داده است...» (دیده شود: پیشگفتار ت. ایلیت در شروع کتاب، ترجمه در، صفحه د)؛ همچنان نوشته جمیلی نیز بعد از سالها مهاجرت به یاری حافظه تهیه شده است.

لذا اگر از تفاوت های لفظی و عبارات بگذریم و توجه را به روحیه مطالب متذکره معطوف داریم، دیده میشود که هردو نویسنده عین روحیه را بیان داشته اند که واقعیت موضوع را مبنی بر نگرانی های هردو طرف از جریانات سیاسی منطقه و افغانستان انعکاس می دهد نشانه از ایجاد فضای بی اعتمادی بین زعمای هردو کشور حساب میشود.

درباره جریان ختم مجلس تا جائیکه من از زبان یکی از اراکین وزارت خارجه چند روز بعد از برگشت داؤد خان از سفر مسکو مرحوم داکتر فرید رشید مدیر عمومی اقتصادی وزارت خارجه و عضو هیئت شنیدم، او می گفت که به تعقیب جوابیه داؤد خان فضا قدری تغییر کرد ولی کاسیگین با طرح یک سؤال خواست جویای نظر داؤد خان شود و صحنه را تغییر دهد. داؤد خان نیز به آرامی و متانت به شکل دوستانه به جواب پرداخت و بعد از آن مجلس طور معمول به پایان رسید. اما هنگام وداع بریژنف روی به داؤد خان کرد و گفت که شما تقاضای صحبت خصوصی با من داشتید، من حاضرم. داؤد خان به آرامش جواب داد که اکنون ضرورتی به آن نیست.

اینکه بعضی ها این برخورد و شدت کلام شهید داؤد خان را در جواب بریژنف «یک انتحار سیاسی» و یا «به اندازه پرتاب دو بمب چند هزار کیلویی برکاخ کرملین از سوی رئیس جمهور افغانستان» تلقی و یا تعبیر میکنند و آنرا انگیزه سقوط جمهور ی یک سال بعد از این ملاقات می پندارند، به نظر من بسیار موجه نخواهد بود، به این دلیل که روابط افغانستان و شوروی از مدت پیش از یکسال از این سفر سردی محسوس گردیده بود و یکی از اهداف این سفر نیز روشن ساختن اوضاع و اطمینان از موقف طرفین بود که داؤد خان میخواست جانب شوروی را مطمئن سازد که تشدید روابط افغانستان با غرب، با کشورهای اسلامی و ایجاد فضای حسن تفاهم و همکاری با پاکستان و بخصوص ایران از دوستی عنعنوی با اتحاد شوروی نمی کاهد، و اما زعمای شوروی برعکس اعتماد خود را به داؤد خان تاحد زیاد از دست داده بودند و تغییر سیاست داخلی و خارجی او را یک تخطی از آنچه به «دکتورین بریژنف» شهرت داشت، می پنداشتند و همانطوریکه در اواخر سلطنت تحولات وارده از طرف موسی شفیق را تحمل کرده نتوانستند، به تحولات داؤد خان به عین شکل نگاه میکردند. آنها ناراحت بودند که مبادا سرمایه گذاری سیاسی دراز مدت شوروی در افغانستان دفعاً بهتر برود و افغانستان از نفوذ شوروی بیرون شود. برای روشن شدن موضوع اینک نگاه مختصر به تحول کلی سیاست داؤد خان بخصوص بعد از سال 1355 می اندازیم.

تحول در سیاست داخلی و خارجی داؤد خان:

1- تحول در امور داخلی:

اگرچه گرمی و سردی روزگار و تجارب حاصله در دوران عزلت، داؤد خان را یک شخص باتفاهم و معتدل ساخته بود، اما شیوه «دیکتاتوری دلسوزانه» او را در راستای خدمت به وطن و مردم چندان تغییر نداده بود. لذا حرف «رهبر» به مثابه قانون، بدون چون و چرا واجب التعمیل پنداشته می شد. باهمین روحیه بعد از کودتای (26 سرطان 1352) نظم عامه زیر کنترل آمد و مظاهرات روزمره در شهر پایان یافت، امنیت در تمام کشور برقرار و

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پاروالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لمخې په څیر و لولئ

جریان امور بطور عادی در حرکت افتاد. آنچه مایه تشویش و نگرانی عده ای از «ملیگراها» و جناح های راست افراطی از جمله عناصر «اسلامگرا» گردید، همانا نقش روبه تزاید عناصر چپی «خلق و پرچم» در دستگاه دولت بود که مقامهای حساس را اشغال کرده بودند. عکس العمل این وضع به سرعت آوازه کودتا ها علیه رژیم بلند کرد، چنانکه موضوع کودتای نام نهاد شهید میوندوال و بعداً جریان مولوی فیضانی و توطئه جنرال میر احمد شاه که توأم با گیر و گرفت ها و اعدام چند نفر بود، به شهرت رژیم صدمه وارد کرد. همین وضع موجب شد تا عده ای به پاکستان فرار کنند و به حیث قوای مخالف رژیم زیر نظر پاکستانی ها فعال شوند. همین ها بودند که بعداً در ماه اسد 1354 (اگست 1975) به پنجشیر و لغمان حمله کردند و اما شکست خوردند و بسیار شان به حیث مخالفان مسلح رژیم دوباره به پاکستان برگشتند.

نفوذ کمونیست های خلقی و پرچمی در دستگاه دولت از یکطرف و حملات مسلحانه مخالفان در پنجشیر و لغمان از طرف دیگر داؤد خان را به این نظر آورد که برای ایجاد یک نظام ملی در «وسط چپ و راست» تغییرات اساسی را رویدست گیرد و برای تضعیف گروپ های «چپ و راست» اقدام کند. او بتاريخ 27 سپتمبر 1975 کار تصفیة پرچمیها و خلقی ها را از کابینه آغاز کرد و در قدم اول فیض محمد، پاچا گل وفادار، جیلانی باختری، عبدالحمید محتاط و نعمت الله پژواک و بعداً حسن شرق را از وظایف شان برکنار ساخت. بیانیه داؤد خان در هرات مبنی بر مخالفت با هرگونه ایدئولوژی های وارداتی به کشور در حقیقت برای کمونیستهای خلقی و پرچمی زنگهای خطر را به صدا آورد و توجه شانرا به آینده موهوم معطوف کرد.

این چرخش از یکطرف مقامات شوروی را بر داؤد خان مظنون ساخت و ادامه دوستی او را با شوروی زیر سؤال برد و بنابراین تلاش ها برای رفع اختلافات بین خلق و پرچم و موضوع اتحاد مجدد آنها از طرف سفارت شوروی در کابل شروع گردید و فعالیت جلب و جذب بوسیله آنها در اردو نیز رویدست گرفته شد. از طرف دیگر مفکوره تأسیس یک حزب واحد بنام «انقلاب ملی» زیر نظر چهار عضو کابینه درزی را بین کابینه به وجود آورد که به وساطت نعیم خان برادر داؤد خان با وعده ای اصلاحات ظاهراً وضع در داخل کابینه به حالت عادی برگشت. پس از لویه جرگه (دلو 1355 - فبروی 1977) که داؤد خان به حیث رئیس جمهور کشور تعیین گردید، تغییرات اندک در کابینه و امور داخلی رونما شد، اما سیاست خارجی وارد یک مرحله بسیار حساس گردید.

2- تحول در امور خارجی:

سیاست خارجی داؤد خان که بدست برادرش نعیم خان گردانندگی می شد، بطور کل در آغاز ادامه همان روش زمان صدارت او بود یعنی نزدیکی با شوروی، سردی با ایران و کشیدگی با پاکستان. بعد از گذشت دوسال از کودتای سرطان که تاحدی پایه های رژیم استحکام یافت و موقع رویدست گرفتن پلانهای انکشاف اقتصادی و اجتماعی فرا رسید، داؤد خان به این نظر شد که باید به جلب کمکهای دیگر کشورها بپردازد و افغانستان را از قید وابستگی روزافزون اقتصادی و سیاسی مسکو تدریجاً بیرون کند. او برای نیل به این هدف مجبور بود در سیاست خارجی خود با کشورهای غربی، بخصوص امریکا و کشورهای اسلامی از همه اولتر با دو کشور همسایه ایران و پاکستان تجدید نظر نماید. داؤد خان از اشتباهات دوران صدارت خود مبنی بر نزدیکی با شوروی پند گرفته و متوجه شده بود که سیاست او چه عواقب ناگوار را درده مشروطیت بار آورد و چگونه استقرار سیاسی بوسیله فعالیت گروپ های چپ و راست افراطی و گسترش مظاهرات و کارشکنی ها برهم خورد. بناً او خواست با پیش گرفتن یک سیاست متوازن بین شرق و غرب و ایجاد روابط نزدیک با کشورهای اسلامی از یکطرف از وابستگی اقتصادی و درنهایت سیاسی شوروی بیرون شود تا بتواند به کمکهای بیشتر اقتصادی و حمایت سیاسی غرب دست یابد و از طرف دیگر با برقراری روابط نزدیک با کشورهای اسلامی افغانستان را از خطر فعالیت های تخریبی گروه های افراطی اسلامی، بخصوص تحریکات منفی پاکستان و عربستان سعودی در زمینه محفوظ نگهدارد. به این اساس در ماه حمل 1353 (مارچ 1974) نعیم خان به حیث نماینده مخصوص رئیس دولت به کشورهای عراق، لیبیا، الجزایر، مصر، عربستان سعودی و ایران سفر کرد تا

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

مقدمات این تحول را فراهم سازد. در ماه سرطان آن سال وزیر خارجه ایران به کابل آمد و روابط ایران و افغانستان بهبود یافت. ایران کوشید عربستان سعودی را در زمینه اعطای قرضه و نزدیکی با افغانستان تشویق نماید. داود خان در اوایل حمل 1354 (مارچ 1975) به عربستان سعودی سفر کرد و در راه برگشت به ایران رفت و با شاه ایران دیدار کرد. شاه ایران وعده کمک 300 میلیون دالری به افغانستان داد، مشروط بر اینکه این کمک باید جانشین کمک اقتصادی شوروی باشد و در مورد فراهم آوری تسهیلات ترانزیت اموال افغانی نیز موافقه شد. شاه ایران آمادگی خود را برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان اعلام کرد و وعده اعطای یک قرضه 1700 میلیون دالری را جهت اعمار خط آهن از سرحد ایران تا هرات داد. سپس اسناد مربوط به معاهده آب هیلمند بین طرفین تبادل و بدینوسیله به تائید از توافقات قبلی در زمان صدارت موسی شفیق موضوع متنازع فیه بین دو دولت حل گردید.

بعد از سفر داود خان به تهران، شاه ایران به پاکستان رفت و با بوتو صدراعظم آن کشور دیدار کرد که یقیناً موضوع اصلی مذاکرات آنها را عادی ساختن روابط افغانستان و پاکستان تشکیل میداد. در زمستان 1345 حکومت پاکستان به زلزله زدگان افغانستان کمک ارسال کرد که در حقیقت آمادگی برای بهبود روابط را معنی میداد. با استفاده از این پیش آمد داود خان از بوتو دعوت کرد تا به افغانستان سفر کند. بوتو با قبول این دعوت بتاريخ 17 جوزا 1355 (7 جون 1976) بار اول به کابل آمد و داود خان نیز به دعوت رئیس جمهور پاکستان بعد از اشتراک در کنفرانس کشورهای غیر منسلک منعقد کولمبو، بتاريخ 29 اسد 1355 عازم پاکستان گردید. به همین ترتیب بوتو بار دیگر در جوزای 1356 (جون 1977) به کابل آمد. خلاصه در اثر همین رفت و آمدها روابط متشنج افغانستان و پاکستان بعد از یک مدت طولانی رو به بهبودی گذاشت.

درقبال این تغییرات مقامات امریکائی نیز با داود خان نزدیک شدند و کیسنجر وزیر خارجه آن کشور بتاريخ 17 اسد 1355 (اگست 1976) به افغانستان سفر کرد و در ادامه آن کمکهای آنکشور به افغانستان افزایش یافت. جمهوریت مردم چین نیز به کمکهای خود افزود، کانادا، انگلستان، جمهوریت اتحادی آلمان، استرالیا و دیگر کشورها پیهم آمادگی خود را برای کمکهای انکشافی برای افغانستان ابراز داشتند و اما این تحولات باعث ایجاد یک نوع شک و شبهه در روابط با شوروی گردید و شوروی را بر داود خان مظنون ساخت.

ایجاد حساسیت ها در روابط با شوروی:

داود خان طی دوره ریاست جمهوری خود دوبار به شوروی سفر کرد: بار اول بتاريخ 14 جوزا 1353 (4 جون 1974) که به تاسی از همان سیاست سابق اتحاد شوروی را «دوست بزرگ» افغانستان خطاب کرد و از همکاریهای دوستانه آن کشور تمجید نمود و اما از مقدار کمکهای وعده داده شده شوروی چندان راضی نبود. در جواب این سفر پودگورنی در دسمبر 1975 به کابل آمد. در این موقع تماس داود خان با کشورهای عربی و مسئله اخراج کمونیستهای خلقی و پرچمی از کابینه و همچنان جدیت داود خان در مورد عضویت بعضی کشورها مخصوصاً کیوبا در جمله ممالک غیرمنسلک بر روابط شوروی و افغانستان سایه افکنده و موجب کندی و تخریش روابط حسنه همیشگی گردیده بود. داود خان در آنوقت میکوشید امضای قرارداد بعضی پروژه های انکشافی را با شوروی معطل سازد و از روش آنکشور در قبال بعضی کشورهای افریقائی شکایت داشت. در همین حال اطلاعات استخباراتی مبنی بر فعالیت گروه های خلقی پرچمی علیه دولت جمهوری نیز به داود خان می رسید و او متوجه این حرکت بود و هدف آنرا نسبت به رژیم جمهوری خصمانه ارزیابی میکرد و اما شوروی به اتحاد و یک پارچگی حزب دموکراتیک خلق ضرورت داشت تا وسیله مؤثر برای تحقق اهداف فوری و ستراتیژیک مسکو باشد. علاوه تشدید مناسبات رژیم جمهوری با غرب و کشورهای اسلامی سوء ظن مسکو را بر تغییر جهت داود خان زیادتر می ساخت و این وضع بر بی اعتمادی و سردی مناسبات می افزود. هنگامیکه داود خان در لویه جرگه 1355 به حیث رئیس جمهور انتخاب شد، شکایت او از فعالیتهای تخریبی گماشتگان افغانی شوروی در افغانستان یعنی پیروان حزب دموکراتیک خلق علنی تر گردید و خواست تا موضوع را با بریژنف حین سفر دوم خود به مسکو در میان بگذارد. این مسافرت از 12 الی 15 اپریل 1977 (23 تا 26 حمل 1356) صورت

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

گرفت. اعضای آتی جز هیئت معیتی رئیس جمهور داؤد خان بودند: محمد خان جلالر وزیر تجارت، علی احمد خرم وزیر پلان، جمعه محمد محمدی وزیر آب و برق، وحید عبدالله معین سیاسی وزارت خارجه، داکتر علی احمد پوپل سفیر کبیر افغانستان در مسکو، داکتر محبوبه رفیق رئیسه دفتر وزیر خارجه، عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه، داکتر فرید رشید مدیر عمومی اقتصادی وزارت خارجه و چند شخصیت مهم دیگر به شمول عبدالجلیل جمیلی مدیر روابط اقتصادی وزارت خارجه.

داؤد خان در مذاکرات روز اول، رهبران شوروی را در جریان بهبود مناسبات افغانستان با پاکستان و ایران قرار داد و در مورد روابط نزدیک اقتصادی با کشورهای عربی سخن گفت، از مساعدتهای شوروی قدردانی و اظهار امیدواری کرد که مناسبات دو کشور که بر اساس «حسن همجواری، اعتماد متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر» استوار است، بیش از پیش انکشاف نماید. در روز دوم مذاکرات که نوبت سخنرانی جانب شوروی بود، بریژنف بیش از 25 دقیقه سخن گفت و به مسائل مختلف از جمله موضوع نقش ایران به حیث «ژاندارم منطقه»، اهداف شئونستی چین، لزوم انکشاف «پیمان دسته جمعی آسیا» صحبت کرد. در جریان سخنرانی بریژنف از داؤد خان پرسید که آیا سیاست تسلیحاتی ایران که به حیث نماینده ایالات متحده در منطقه وظیفه حفاظت از منافع آن کشور را دارد، برای همسایه های کوچک آن احساس خطر نمیکند؟

این نوع سؤاها در حقیقت بیانگر ناراحتی شوروی در قبال تحولات سیاست خارجی افغانستان بود که در روز دوم مذاکرات شکل جدی و غیر قابل پیشبینی را بخود گرفت و شرح آن در آغاز این نوشته بیان شد که در نهایت منتج بیک برخورد لفظی غیر معمول دیپلماتیک بین زعمای دو کشور گردید و حساسیت ها را از عمق به سطح آورد. اکنون با شرح فوق واضح میگردد که زمینه «جرقه سیاسی» از دوسال قبل فراهم گردیده بود به شکلی که هردو جانب آنرا یکی به روی دیگر نمی آوردند و اما در طی دل هر دو جانب از رویدادها ناراضی بودند. مسلم است که تشدید نگرانی ها یک روز باید علنی می شد.

اکنون آیا داؤد خان مسئول این وضع بود و یا بریژنف؟

به نظر من سخن تهدید آمیز و آمرانه بریژنف که شکل یک تحکم را داشت، آغازگر این برخورد بود. بریژنف که از مریضی دوامدار و کهولت سن رنج می برد و به وسیله انواع ادویه سرپا می ایستاد، مغایر به روشهای دیپلماتیک برای شخص مغرور و افغان وطن دوست دستور داد تا «متخصصین ناتو!!» را از افغانستان خارج کند. اکنون من از هر افغان با احساس می پرسم که در برابر همچو یک دستور آمرانه بایست خاموشی اختیار می شد و یا با کرنش جواب ارائه میگردد؟ آیا خاموشی و یا نا شنیده گرفتن، مشکل عمیق در روابط دوکشور را که تدریجاً از چند سال تراکم کرده بود، حل میکرد؟ آیا خاموشی انصراف از همه اقداماتی را که در راه انکشاف روابط با کشورهای غربی، اسلامی و همسایه رویدست گرفته شده بود، معنی نمیداد؟ آیا با خاموشی و یا اطاعت از دستور بریژنف افغانستان برای همیشه در قید اطاعت از دستور شوروی باقی نمی ماند؟ اینها همه سؤال هائی اند که باید به آنها جواب گفت.

تحول در سیاست خارجی افغانستان به معنی برگشت به توازن بین شرق و غرب و بهبود روابط با غرب، با کشورهای اسلامی و بخصوص کشورهای همسایه واضحاً مغایر به خواست شوروی بود، ولی حکومت افغانستان سعی داشت تا در عین زمان روابط دوستانه را با شوروی در فضای «حسن همجواری، اعتماد متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر» حفظ کند. این حق مسلم افغانستان به حیث یک کشور مستقل بود. اینکه جانب شوروی از این سیاست افغانستان ناراض و آنرا مغایر به اهداف کلی خود در منطقه میدانست، واضحاً ادامه اینکار هر وقت که می بود منجر به برخورد منافع میگردد و به عین حالت منتهی می شد که سلطنت در اثر تحول در سیاست موسی شفیق به آن مواجه گردید. در این راستا کمائی کردن وقت برای داؤد خان یک چانس مهم بود که باید از همان روز برگشت از سفر مسکومیدانست که روزهای بدتر در انتظار کشور است و باید با اقدامات جدی در مورد تصفیة عناصر گماشته شوروی یعنی خلق و پرچم

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بڼي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په څیر و لولئ

در قدم اول از صفوف اردو دست بکار می شد و در اینکار با دقت و اما با سرعت و جدیت عمل میکرد که متأسفانه باوجود درک حساسیت اوضاع در زمینه تعلل کرد. او فکر نمیکرد که شوروی و عمال داخلی آن به این زودیهایی در صدد سقوط رژیم باشند، ولی شوروی ها میدانستند که در صورت استحکام مناسبات افغانستان با غرب و کشورهای اسلامی و بهبود روابط با دو کشور همسایه، افغانستان از حیطة نفوذ آنها به سرعت بیرون خواهد شد و لذا باید هرچه زودتر دست بکار می شدند. همان بود که سفارت شوروی و مشاوران و افرنظامی آنها به سرعت داخل عمل شدند و با آنکه هنوز از اتحاد خلق و پرچم چندان متیقن نبودند و آنها را برای احراز قدرت بالغ نمیدانستند، در راه اندازی کودتای 7 ثور مبارزت ورزیدند و شخصیت های بی کفایت امورنظامی کشور نتوانستند در موقع مناسب از کودتا جلوگیری نمایند. (پایان)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ